

بررسی فقهی حقوقی اقدامات تأمینی و تربیتی با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

سماحه بگان*، احمد مرادخانی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۰۷)

چکیده

در حقوق جزای امروز، توجه به اقدامات تأمینی و تربیتی، از اهمیت بسزایی برخوردار است. در واقع اقدامات تأمینی و تربیتی یکی از عکس العمل‌های موفق در برابر جرم می باشد که جایگاه خود را در کنار مجازات به عنوان یکی از راه‌های اصلی مبارزه با جرم بار کرده است. در حقوق اسلام نیز مسئله دفاع اجتماعی و تأمین جامعه از خطر بزهکاری و اصلاح و تربیت مجرمین از نظر دور نمانده و این امر سابقه علمی در صدر اسلام داشته است. هدف اقدامات تأمینی و تربیتی که اصلاح و تربیت و بازپروری مجرم و پیشگیری از تکرار جرم می باشد همواره مورد تأکید و مطلوب شرع بوده است. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، با شناسایی مصادیق نوینی از اقدامات تأمینی و تربیتی به تحقق این مهم بیش از پیش توجه شده است.

کلیدواژگان

اصلاح مجرم، اقدامات تأمینی، اقدامات تربیتی، حقوق اسلام، دفاع اجتماعی.

* مسئول مکاتبات: دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

رایانامه: Samabakan@yahoo.com

** نویسنده مسئول: استادیار گروه فقه و حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

رایانامه: ah_moradkhani@yahoo.com

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه است.

مقدمه

یکی از نگرانی‌های مهم جامعه افزایش جرائم و تبهکاری‌ها و به خطر افتادن امنیت و آسایش مردم است. در این راه عدالت کیفری ایجاب می‌نماید جامعه واکنش مناسبی در قبال مجرم اتحاد نماید. واضح است مجازات‌ها به تنهایی نمی‌توانند واکنش مناسب در قبال مجرم محسوب شوند؛ بنابراین در کنار مجازات‌ها اقدامات تأمینی و تربیتی شکل گرفته است. این اقدامات، تدابیر پیشگیرانه‌ای هستند که برای جلوگیری از حدوث جرائم با اعمال راه‌های اصلاحی، درمانی، تربیتی و یا خنثی کردن خطرهای احتمالی اشخاص و یا اشیاء و مؤسسه‌هایی که وضعیت خطرناک (مجرمانه) دارند، وضع می‌شوند. بنابراین هدف اصلی این اقدامات پیشگیری در ارتکاب اعمال مجرمانه، مداوا، بازپروری و بازپذیری اجتماعی بزهکار است. با توجه به اهمیت مسئله تأمین جامعه از خطرات بزهکاران و نیز بازپروری و اصلاح آنان در فقه و حقوق، نگارنده ضمن این مقاله درصدد است تا با بررسی فقهی حقوقی برخی اقدامات تأمینی و تربیتی علاوه بر تبیین مصادیق شناسایی شده مرتبط با مصادیق موجود در فقه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، نشان دهد که حقوق اسلام از مسئله تأمین جامعه از خطر مجرمین و اصلاح و تربیت آنان غفلت نکرده و علاوه بر وضع مجازات، برای اصلاح مجرمین دارای روش‌ها و فرمول‌های مفیدی است. روش تحقیق در نگارش این مقاله، کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی - تحلیلی است و در نگارش آن کتب و مقالات مختلفی مورد مطالعه قرار گرفته است.

با ذکر این مقدمه به بررسی فقهی و حقوقی اقدامات تأمینی و تربیتی با تأکید بر قانون مجازات

اسلامی ۱۳۹۲ می‌پردازیم:

اقدامات تأمینی و تربیتی

پیش از اینکه به بررسی موضوع در ابعاد فقهی و حقوقی بپردازیم؛ لازم است اقدامات تأمینی و تربیتی به درستی تبیین شود. بنابراین ابتداً به تعریف اقدامات تأمینی و تربیتی در لغت می‌پردازیم و سپس اقدامات تأمینی و تربیتی را از دیدگاه کارشناسان و فقها بررسی می‌نمایم تا از این طریق تعریف جامعی از این اقدامات بدست آید.

تأمین در لغت

تأمین در فرهنگ فارسی عمید به معنای امنیت دادن و ایمن ساختن آمده است (عمید، ۱۳۷۵) در فرهنگ فارسی معین اینگونه معنی شده است: ایمن کردن، آرام دادن، حفظ کردن (معین، ۱۳۷۱) در لغت نامه دهخدا بدین نحو بیان شده است: امین کردن (تاج المصادر بیهقی) (دهار). حفظ کردن و امن نمودن، امین پنداشتن، اعتماد کردن، راستی کردن، امین گفتن دعای کسی را (دهخدا، ۱۳۷۲) تأمین از باب تفعیل می باشد و ریشه آن «أَمَنَ» است. در لسان العرب آمده است: أَمِنَ: الأمان و الامانه بمعنی. و الأمان: ضدُّ الخوف. (ابن منظور، ۱۴۰۸) یعنی در برابر به وحشت انداختن و ترساندن. با توجه به معانی ذکر شده در فرهنگ لغات، می توان بیان داشت «تأمین» به معنی امنیت، حفظ کردن، ایجاد آرامش و از بین بردن ترس است. اقدامات تأمینی اقداماتی هستند که از جامعه در مقابل مجرمین و اشیاء خطرناک محافظت می کنند و با خنثی کردن حالت خطرناک مجرمین امنیت افراد جامعه را تأمین می کنند.

تربیت در لغت

تربیت در فرهنگ فارسی عمید اینگونه آمده است: مص {ع} «تربیه» (ت ر ب ی)، پروردن، پرورش دادن، ادب و اخلاق را به یکی یاد دادن (عمید، ۱۳۷۵) در فرهنگ معین نیز همین معانی را برای تربیت بیان نموده اند (معین، ۱۳۷۱) در لغت نامه دهخدا تربیت بدین گونه معنا شده است: {ت} {ع} (مص)، پروردن و پروراندن (دهخدا، ۱۳۷۲) تربیت مصدر باب «تفعیل» می باشد و دارای سه ریشه است: ۱- ربأ، یربؤ (= فعل مهموز) ۲- ربی، یربی (= فعل ناقص) ۳- رب، یرب (= فعل مضاعف) (خطیب، ۱۴۱۵). تربیت از ریشه «ربا، یربو» به معنی رشد کردن، برآمدن و قد کشیدن و بالیدن است. تربیت از ریشه «ربی، یربی» به معنای نشأت یافت، پرورش یافت آمده است. تربیت از ریشه «رب، یرب» بدین شکل معنا شده است: پروردن، سرپرستی و رهبری کردن، نیکو کردن، به تعالی و کمال رساندن، ارزنده ساختن، از افراط و تفریط در آوردن، به اعتدال بردن، استوار و متین کردن. اکثر زبان شناسان تربیت را با توجه به ریشه «رب، یرب» تعریف کرده اند. انسانها بر اساس فطرت خود دارای استعدادهای بسیاری هستند. تربیت تا حد زیادی به معنای قرار دادن این استعدادها در

مسیر صحیح و برداشتن موانع از سر راه این استعدادها برای رسیدن به کمال مطلوب می باشد. بنابراین می توان گفت اقدامات تربیتی، اقدامات آموزشی - اصلاحی هستند که باید در جهت شکوفایی استعدادها و برداشتن موانع از سر راه رشد و کمال بزهکاران اعمال گردند تا بدین وسیله بزهکار به عنوان انسان سالم به جامعه بازگردد.

اقدام تأمینی

تعاریف گوناگونی از سوی کارشناسان و حقوقدانان در مورد اقدامات تأمینی ارائه شده است که به بیان برخی از آنها می پردازیم. ۱. «اقدامات تأمینی یک سلسله تدابیر پیشگیرانه ناشی از واکنش جامعه برای جلوگیری از تکرار جرم از سوی مجرمان خطرناک که بنا به حکم قانون از جانب دادگاه رسیدگی کننده اتخاذ و درباه آنها اعمال می گردد.» (پرادل، ۱۳۷۳) ۲. «اقدام تأمینی واکنشی است مبتنی بر حمایت پیشگیرانه که یکی از دو شکل واکنش اجتماعی علیه جرم محسوب می گردد. این واکنش اجتماعی پیشگیرانه متضمن درمان و اصلاح مجرمی است (چه مسئول چه غیر مسئول) که در حالت خطرناک، یعنی حالتی که احتمال ارتکاب جرائم را توسط او جدی می نماید، به سر می برد.» (بولک، ۱۳۷۲، ص ۷۳) ۳. «اقدام تأمینی یک رشته وسایل دفاع اجتماعی است که به حکم قانون و توسط قاضی بر اثر جرم متناسب با وضع مزاجی و استعداد و منش و سوابق فرد خاطی و خطرناک بکار برده می شود تا بهبود یابد و با اجتماع سازگار شود و دست به تکرار جرم نزند» (کی نیا، ۱۳۶۹، ص ۱۶۲۵). بنابراین می توان اقدامات تأمینی را اینگونه تعریف کرد: تدابیری پیشگیرانه هستند که در جهت امنیت بخشیدن به جامعه در مورد مجرمین خطرناک برای بازسازی و بازپروری اجتماعی اعمال می شوند همچنین در مورد اشیاء خطرناک. لذا، یکی از ویژگی هایی که باید در تعریف این اقدامات مورد توجه قرار گیرد، ویژگی پیشگیرانه آنهاست.

اقدام تربیتی

درباره تربیت تعاریف و دیدگاه های گوناگونی ارائه شده است. در این اینجا به ارائه برخی از این تعاریف می پردازیم. تربیت به معنای فراهم کردن زمینه ها برای شکوفا کردن و به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه انسان می باشد تا بدین وسیله به سوی هدف مطلوب و کمال خود سیر نماید.

بنابراین می توان تربیت را چنین تعریف کرد: تربیت عبارت است از رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آنکه استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۰). در دیدگاه استاد شهید مطهری تربیت، پرورش دادن استعدادهای درونی است که بالقوه در یک شیء موجود است. بنابراین تربیت فقط در مورد جانداران یعنی گیاه و حیوان و انسان صحیح است زیرا غیر جانداران را نمی توان به معنای واقعی پرورش داد. از همین جا معلوم می شود تربیت در انسان به معنای پرورش دادن استعدادهای او است و این استعدادهای در انسان عبارتند از: استعداد عقلی (علمی و حقیقت جویی)، استعداد اخلاقی (وجدان اخلاقی)، بعد دینی (حس تقدس و پرستش)، بعد هنری و ذوقی یا بعد زیبایی و استعداد و خلاقیت، ابتکار و ابداع (مطهری، ۱۳۸۳). تربیت تا حد زیادی به معنای قرار دادن این استعدادهای در مسیر صحیح است بنابراین می توان گفت اقدامات تربیتی، تدابیری هستند در جهت اصلاح و تربیت بزهکار که جنبه ارشادی، آموزشی و فرهنگی دارند که از این طریق راه برگشت بزهکار به جامعه را تسهیل می کنند.

اقدامات تأمینی و تربیتی از دیدگاه فقها

اصطلاح اقدامات تأمینی و تربیتی، یک اصطلاح نو پیدا در گستره کیفرهای اسلامی در سالیان اخیر است. چه اینکه چنین اصطلاحی، در هیچ یک از منابع فقهی امامیه و حنفی، پیشینه ای ندارد (فکوری، ۱۳۹۳، ص ۳۶) لکن با توجه به منابع فقهی، ماهیت و مبنای اقدامات تأمینی و تربیتی را می توان استنتاج نمود. ماهیت اقدامات تأمینی بدلیل نامشخص بودن نوع و میزان آن و هماهنگ شدن با مقتضیات زمان و مکان و تناسب با شخصیت مجرم، اوضاع و احوال ارتکاب جرم و تحولات اجتماعی ماهیتی تعزیری است. مبنای اقدامات و تدابیر تأمینی و تربیتی را نیز می توان حفظ مصالح فرد، جامعه، برقراری عدالت اجتماعی و از بین بردن حالت خطرناک بزهکار و پیشگیری از تکرار ارتکاب بزه دانست. مبنای شریعت - که مجازات نیز بخشی از آن است - اقامه عدالت در جامعه، تزکیه، اصلاح و تربیت نفوس، تأمین منافع و مصالح آحاد جامعه و دفع مفسده از ایشان است (جوزیه، ۱۴۲۳، ص ۲) این مبنای، در اقدامات تأمینی وقتی محقق می گردد که حالت خطرناک فرد از بین رفته و از تکرار ارتکاب جرم، پیشگیری شده باشد.

آیاتی از قرآن در جهت مشروع بودن مبنای اقدامات تأمینی و تربیتی

در قرآن آیاتی موجود است که می‌توان از آنها در جهت مشروعیت تدابیر تأمینی و تربیتی بهره جست. در اینجا به بیان دو مورد بسنده می‌شود. مسئله دفع فساد از جمله مسائلی است که قرآن کریم به آن اهتمام ورزیده است و در آیات مختلفی به ضرورت دفع فساد و پیشگیری از وقوع جرائم تأکید کرده است. برای نمونه چند آیه ذکر می‌گردد:

۱. «فَلَوْ لَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفُسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ» یعنی: چرا از نسل‌های قبل از شما جز عده کمی از آنها که نجاتشان داده بودیم، بقیه از فساد و تبهکاری در این سرزمین نهی نکردند؟ و کسانی که ستم کردند پیرو لذت‌های مادی شدند و ایشان تبهکار و مجرم بودند (سوره هود، آیه ۱۱۶) در این آیه همگام با توبیخ اقوام گذشته که مانع فساد نشدند، شیوع فساد و تبعیت از لذت‌های مادی و هوس و ارتکاب جرم، علت نابودی آنان دانسته شده است.

۲. «... وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتَّتِ صَوَامِعُ وَ بِيَعُ وَ صَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» یعنی: و اگر خدا بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، هر آینه صومعه‌ها و کلیساها و کنشتها و مساجدی که نام خدا در آن فراوان ذکر می‌شود، ویران می‌شد، خداوند هر آینه کسانی را که او را یاری می‌کنند، یاری می‌نماید که همانا او توانا و قاهر است (سوره حج، آیه ۴۰) منظور از دفع مردم به وسیله مردم، دفع فساد و پیشگیری از جرائم ارتكابی به وسیله مفسدان است (الطبرسی، ۱۹۸۸، ص ۱۳۵)

۳. «وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» یعنی: و در این دیار بعد از اصلاح آن فساد نکنید، این دستور اگر ایمان داشته باشید برای شما بهتر است (سوره اعراف، آیه ۸۵).

۴. «وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَ ادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» یعنی: و در زمین پس از اصلاح آن در صدد افساد بر نیایید و او را از روی بیم و امید بخوانید، همانا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است. در دو آیه فوق با فعل امر «لا تفسدوا» دستور داده شده است که

فساد نکنید. با توجه به مفهوم کلی و مفاد عام آیات فوق مشروع بودن مبنای تدابیر تأمینی و تربیتی به دست خواهد آمد و آن دسته از مصادیق اقدامات تأمینی و تربیتی که مخصوصاً مورد نهی شارع مقدس قرار نگرفته باشد، با این مبنا مورد تأیید شارع خواهد بود؛ چرا که در اقدامات تأمینی و تربیتی، ملاک وجود حالت خطرناک است که تعبیر دیگری از عنوان «مفسده» و «فساد» می باشد (رهامی، ۱۳۷۹، ص ۹۵).

از دیگر مسائلی که قرآن کریم به آن اهتمام ورزیده است فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر برجسته ترین، بارزترین و گرامی ترین واجب در بین واجبه‌ها می باشد هدف تمام انبیاء و اولیاء اصلاح جامعه بشری بوده است و مؤثرترین ابزار برای رسیدن به این هدف بزرگ امر به معروف و نهی از منکر است. قرآن کریم به کرات به اهمیت این فریضه اشاره نموده و آمرین به معروف و نهی کنندگان از منکر را از صالحین، رستگاران و بهترین امت می داند. برای نمونه وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ یعنی و باید از شما گروهی باشند که (مردم را) به سوی کار خیر دعوت نمایند و به کار نیک امر کنند و از کار زشت بازدارند، و آنهایند که رستگارند (آل عمران، آیه ۱۰۴) فقهای اسلامی، بالاتفاق، این فریضه را به عنوان حق دفاع عمومی و درعین حال تکلیف همگانی در مقابله با فساد و فحشا و انحراف دانسته اند (عوده، ۱۴۰۵، ص ۴۸۹) شیخ طوسی دراهمیت امر به معروف و نهی از منکر قائل به وجوب عقلی آن نیز شده است و در «اقتصاد» می نویسد: «به نظر من، دیدگاه بهتر آن است که امر به معروف و نهی از منکر، عقلاً واجب‌اند به دلیل قاعده لطف. برای وجوب کافی نیست به استحقاق ثواب و عذاب علم داشته باشیم؛ زیرا اگر بگوییم علم به استحقاق ثواب و عذاب کفایت می‌کند و هر دلیلی، زیاده بر آن، در حکم مستحب است و واجب نیست، لازم می‌آید که امامت واجب نباشد، پس شایسته‌تر آن است که امر و نهی به دلیل عقل واجب باشد.» (شیخ طوسی، ۱۳۷۵ق، ص ۱۴۷).

با توجه به اینکه نهی از منکر قبل از وقوع منکر صورت می‌پذیرد نه بعد از آن، می‌توان اقدامات تأمینی و تربیتی را از مصادیق بارز نهی از منکر و پیشگیری از وقوع عمل خلاف شرع و

هماهنگ با عموماً ادله امریه معروف و نهی از منکر دانست؛ زیرا تمامی آن هاتدابیری هستند که به دفع منکر و رفع آن می انجامد و قطعاً این امر، مطلوب شارع و از مصادیق تکلیفی است که مورد توجه و تأکید شریعت اسلامی قرار گرفته است. اجرای امریه معروف و نهی از منکر هم از سوی عموم مسلمانان امکان پذیر است هم از سوی مقاماتی که مسئولیت حکومتی دارند. آنچه که در اینجا مدنظر است اقدامات تأمینی است که به عنوان مصادیقی از نهی از منکر توسط مسئولین حکومتی؛ مانند قضات و محاکم، انجام می شود. چه اینکه اقدامات تأمینی نظیر بازداشت کردن، در محل مخصوص نگهداری نمودن، یا محروم کردن از بعضی حقوق اجتماعی و امثال آن، اموری است که بایستی به حکم قانون صورت گیرد و این حکم جز در صلاحیت مسئولان حکومتی نیست.

مصادیق اقدامات تأمینی و تربیتی در فقه

در ذیل به تبیین مصادیقی از اقدامات تأمینی و تربیتی در آیات قرآن کریم و همچنین در سیره معصومین می پردازیم.

مصادیقی از اقدامات تأمینی و تربیتی در آیات

خداوند یکتا، برای هدایت بندگانش راه‌های زیادی گشوده و مسیرهای هموار متعددی قرار داده است، تا بندگانش با تأمل در نشانه‌ها و آیات خداوندی، راه راست و مستقیم را برگزیده و به سعادت دنیا و آخرت ره یابند. در واقع کتاب مقدس «قرآن» برای تربیت نفوس بشری و هدایت آنان نازل شده است تا از گمراهی و ضلالت به سوی نور هدایت شوند. تمام آیات قرآن کریم دارای جنبه تربیتی و اصلاحی است و مجازات‌های تصریح شده در قرآن جنبه تأمینی دارد لکن در این مجال فرصت بررسی تمام آیات قرآن کریم و روایات نیست و فقط برای نمونه به توضیح مواردی پرداخته خواهد شد.

نگهداری در مکان مناسب

از اقدامات تأمینی و تربیتی که به وسیله آن هم اصلاح و تربیت مجرم و هم پیشگیری از جرم محقق می شود، «نگهداری در محل مخصوص» است. در قرآن کریم در آیه امساک در خصوص

زنانی که مرتکب عمل زنا می شوند، دستور داده شده است تا در خانه نگه داشته شوند تا وقتی که بمیرند یا خداوند راهی برای خلاصی آنها از حبس قرار دهد. در این آیه بیان شده است: «وَاللَّائِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا» (سوره نساء، آیه ۱۵) یعنی «و از زن های شما آنان که عمل زشت زنا مرتکب می شوند، که مراد محصنانند یعنی شوهردارانی که به زنا اقدام می کنند، چهار نفر مرد از خودتان (از مؤمنان) را بر آنها به گواهی طلبید، پس اگر گواهی دادند آنها را در خانه ها نگه دارید تا مرگ جان آنها را بگیرد یا خداوند برای آنها راهی (دیگر) قرار دهد.» منظور از «فاحشه» همان عمل ناپسند زناست و منظور از «امساک» در این آیه نگه داشتن و حبس زنان در خانه هاست. این امر به منظور پیشگیری از این عمل زشت و ناپسند صورت می پذیرد (علامه طباطبایی، ۱۳۵۴، ص ۲۴۹) در مورد آیه مورد بحث دو باور وجود دارد: یک اینکه این آیه درصدد بیان مجازات زنان زانیه است که با نزول آیه دوم از سوره نور^۱ - که مربوط به حد جلد زانیه و زانی است - نسخ شده است؛ بنابراین بعد از نزول آیه جلد زناکار، دیگر نمی توان به دستور آیه سوره نساء عمل کرد و زناکاران را در محل مخصوص نگهداری نمود. برخی از روایات نیز بر اثبات این نسخ دلالت دارند. اکثر مفسران مانند علامه طباطبایی، الطبرسی، السیوری بر این باورند. این باور در برخی از فقهای امامیه نیز مشاهده می شود. برای مثال یکی از مفسران در کتاب خود بیان می دارد: «واللاتی یأتین الفاحشه» فنسخ الحبس بأن تجلد البکر مائة وتغرب عاما، وقد أباح الله الطلاق فهو قادر علی إزالة الزوجیه والخلاص منها. « (طوسی، ۱۳۸۸، ص ۳۴۳) باور دوم بر این است که آیه امساک نسخ نشده است و تعارضی نیز بین آیه امساک و آیه دوم سوره نور وجود ندارد؛ چرا که امساک زنان زناکار در جایی که دسترسی به جامعه نداشته باشند، حد زنا نیست تا با آیه جلد نسخ شود. سید ابوالقاسم خوئی در کتاب تفسیر البیان چنین گفته است: «هیچ کدام از آیات مذکور (آیه ۱۵ و

۱. الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيَشْهَدُ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ به هر زن زناکار و مرد زناکاری صد تازیانه بزنید و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، در (کار) دین خدا، نسبت به آن دو دلسوزی نکنید و باید گروهی از مؤمنان در کیفر آن دو حضور یابند.

۱۶ سوره نساء) نسخ نشده است؛ زیرا مراد از لفظ فاحشه، که چیزی بسیار زشت و ناپسند است، گاهی به عمل مساحقه بین زنان و گاهی به لواط بین مردان و بعضاً به عمل زنا اطلاق میشود و این لفظ، ظهوری در عمل زنا ندارد تا با آیه جلد زناکار نسخ شود. « (خویی، ۱۴۲۰، ص ۳۱۲) از نظر محقق اردبیلی نیز فاحشه زنا و امساک بازداشتن زنان از عمل زنا دانسته شده و او نیز قول نسخ را نپذیرفته است (اردبیلی، ۱۳۸۸، ص ۶۵۸)

آنچه را که از آیه امساک مستفاد می شود می توان چنین دسته بندی کرد: یک) آیه حبس ابد در صدد بیان حکم مجازات زنان شوهردار که غالباً نیز در آن روزگار زناکاران حرفهای بوده‌اند است. دو: این عمل جرم است و نیاز به اثبات دارد. راه اثبات منحصرأ از طریق شهادت چهار مرد مسلمان است که مرجع رسمی از ایشان طلب شهادت کرده باشد. سه: مجازات این زنان حبس ابد بوده است که خدا در مجازاتشان تخفیف داده و آن را به تازیانه تبدیل کرده است (محقق داماد، ۱۳۸۵، ص ۲۴) بنابراین به نظر می رسد دیدگاه اول اقوی باشد زیرا ظاهر آیه حکم می کند که خدا قصد دارد تخفیفی در مجازات زنان زناکار بدهد. بنابراین آیه جلد (که حکم به تازیانه داده است) ناسخ حکم آیه امساک (که حکم به حبس ابد در خانه داده است) می باشد. قول مشهور نیز در مورد این آیه این است که آیه ۱۵ سوره نساء توسط آیه ۲ سوره نور نسخ شده است و از اواخر عمر پیامبر (ص) به همین حکم سوره نور عمل می شده است. همچنین ظاهر آیه نشان از این دارد که این حکم موقتی است. بنابراین، قسمت «يَجْعَلُ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلاً» بر نسخ شدن این حکم در آینده دلالت دارد (قمی، ۱۳۶۷، ص ۱۳۳)

انتشار حکم

یکی دیگر از اقدامات تأمینی و تربیتی که در قرآن کریم پیش بینی شده است «انتشار و اعلان حکم» است تا از این طریق عبرتی برای افراد جامعه شود تا مرتکب چنین جرمی نشوند و همچنین با شناسایی بزهکار مردم از مراوده با چنین فردی پرهیز نمایند تا در دام فریب او گرفتار نگردند (صانعی، ۱۳۸۲، ص ۲۵۱) خداوند در سوره نور آیه ۲ می فرماید: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشَهَّدَ عَلَيْهِنَّمَا

طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. زنان و مردان زنا کار را هر کدام صد تازیانه بزیند و هرگز درباره آنان، در دین خدا، شما را رحمت و رأفت فرا نگیرد، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، و باید عذاب آن دو را گروهی از مؤمنان مشاهده کنند. « این دستور قرآن به حضور جمعی از مؤمنان در هنگام اجرای حد، به دلیل بازداشتن مردم از ارتکاب چنین عمل زشتی است. این همان پیشگیری است که قانونگذار از به کارگیری اقدامات تأمینی دنبال می کند.

محرومیت از برخی حقوق اجتماعی

خداوند در سوره نور آیه ۴ می فرماید: «وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَزْوَاجٍ شَهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» یعنی و کسانی که به زنان پاکدامن نسبت زنا بدهند و چهار شاهد عادل بر ادعای خود نیاورند، آنان را به هشتاد تازیانه کیفر دهید و هرگز شهادت آنها را نپذیرید و ایشان مردمی فاسق و تبهکارند. همانطور که ملاحظه می شود قرآن کریم، عدم پذیرش شهادت را به عنوان مصداقی از محرومیت از حقوق اجتماعی مورد توجه قرار داده و آن را به عنوان اقدام تأمینی و تربیتی دانسته است. بنابراین، علاوه بر مجازات بزهکاران، عدم صلاحیت شهادت آنان نیز به عنوان یک مجازات تکمیلی و تبعی، مورد توجه قرار داده شده است. در این آیه محرومیت از حق اداء شهادت در محاکم همیشگی است مگر در صورت توبه و اصلاح (سوره نور، آیه ۵) که در این صورت از چنین محرومیتی معاف خواهند شد.

مصادیقی از اقدامات تأمینی و تربیتی در سیره معصومین

در آئین اسلام، سنت پس از قرآن کریم قرار دارد و به قرآن مرتبط است و هرگز از آن جدایی ندارد و از حیث اصل و منبع و حجیت و الزامی بودن احکام و دستورها از قرآن کمتر نیست، زیرا سنت از شخصی صادر شده است که خداوند او را در فرموده‌اش توصیف فرموده: «از سر هوای نفس سخن نمی گوید.» (سوره نجم، آیه ۳) سنت در اصطلاح فقهای امامیه، قول و فعل و تقریر معصوم (سیره معصوم) است (مظفر، ۱۳۷۵، ص ۶۳) در اینجا نمونه هایی از سیره معصومین را در ارتباط با مصادیقی از اقدامات تأمینی و تربیتی ارائه خواهیم کرد. البته لازم به ذکر است در این مجال تنها نمونه هایی از سیره معصومین بررسی می گردد.

اقدامات تأمینی و تربیتی محدودکننده آزادی در سیره معصومین

تبعید و اجبار به اقامت یا منع از اقامت در نقطه معین

تبعید و اجبار به اقامت در محل معین، یا منع از اقامت در محل معینی که معمولاً در قالب مجازاتهای تکمیلی اعمال می‌شود، یکی از مصادیق اقدامات تأمینی و تربیتی است. این امر در سیره پیامبر و ائمه معصومین مورد توجه بوده است. در اینجا چند مورد برای نمونه بیان می‌شود.

تبعید حکم بن العاص به طائف توسط پیامبر

نقل شده است که پیامبر اسلام این فرد را به دلیل اینکه در راه رفتن و برخی حرکات خود تشبیه به ایشان کرده و ایشان را مورد استهزا قرار می‌داد تبعید کرد. (حر العاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۲۵۹)

تبعید مردان غیرمحسن زناکار توسط امیرالمومنین

امام علی (ع) مردان غیر محسن را که مرتکب عمل زشت زنا می‌شدند علاوه بر اجرای حد زنا به تبعید به مدت یک سال محکوم می‌کردند. (حر العاملی، پیشین، ص ۳۴۹)

منع اقامت در محل معین در زمان پیامبر

بنا بر نقل نویسندگان این امر در زمان پیامبر در مورد مردانی که خود را به صورت زن‌ها در می‌آوردند و موجب فساد می‌شدند، اجرا شده است (موسوی اردبیلی، ۱۴۱۳، ص ۲۲۱)

اقدامات تأمینی و تربیتی محروم‌کننده در سیره معصومین

محرومیت از برخی حقوق اجتماعی

بررسی و تأمل در سیره معصومین (ع) ما را به این نتیجه می‌رساند که به دلیل حفظ مصلحت عموم در مورد برخی افراد، حکم به محرومیت‌هایی داده شده است. من باب نمونه از امام علی (ع) نقل شده است که بر امام مسلمین واجب است علمای فاسق و طبییان ناشی را از کار محروم سازد (حر العاملی، پیشین، ص ۵۳۹).

در مورد محارب هم وقتی تبعید می‌شود، طبق فرمایش امام رضا به مردم محل تبعید باید اعلام شود که از مجالست، معامله، ازدواج، مشاوره و هم‌خوراک شدن با او خودداری نمایند (حر العاملی، پیشین، ص ۵۳۹).

همچنین از امام علی نقل شده است کسی که مرتکب قتل می شود از حق ارث اموال مقتول محروم می شود (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۶۹).

اقدامات تأمینی مالی ضبط و از بین بردن اشیاء خطرناک در سیره معصومین

از بررسی و تأمل در سیره اهل بیت (ع) تجویز چنین حکمی مستفاد می شود. من باب نمونه از پیامبر اسلام نقل شده است که ایشان دستور دور ریختن مشروبات الکلی و از بین بردن وسایل و ظروفی که جهت این امر بکار رفته بود صادر کردند. فقهای امامیه تصریح کرده اند که بعد از نزول آیه ۹۰ سوره مائده و تحریم خمر، در مسجد نشستند و دستور دادند مردم ظروفی که در آن خمر نگهداری می کردند به مسجد بیاورند، سپس شراب های داخل آن را به زمین ریختند. از بین بردن آلات قمار و مانند آن یکی دیگر از انواع اقدام تأمینی از بین بردن اشیاء خطرناک است که در کتب فقهی بیان شده است. بنابراین با دقت در روایات مربوط به این بحث می توان نتیجه گرفت ضبط و از بین بردن اشیاء خطرناک (موجب فساد) که اقدامی تأمینی و تربیتی است، مورد قبول شارع مقدس می باشد.

اقدامات تأمینی و تربیتی مربوط به اطفال و مجانین در سیره معصومین

در سیره معصومین (ع)، طبق حدیث مشهور رفع که شیعه و سنی آن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که فرمود: *رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ: عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَ عَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يُفِيقَ وَ عَنِ الْوَلَدِ حَتَّى يَحْتَلِمَ*؛ قلم تکلیف از دوش سه گروه برداشته شده است: از خوابیده تا زمانی که بیدار شود، از دیوانه تا هشیار گردد و از کودک تا آنگاه که به سن بلوغ برسد؛ مجازات از اطفال و مجانین برداشته شده است؛ لکن این افراد به حال خود رها نشده اند و در صورت ارتکاب جرم از سوی شخص نابالغ یا فاقد قوه تمییز و عقل، حاکم اسلامی باید نسبت به تأدیب و اصلاح آنان اقدام نماید. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در بخشی از توصیه های خود به امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: برای تأدیب و تربیت بیش از سه ضربه (به کودک) زن. حمادبن عثمان گوید: از امام صادق (علیه السلام) درباره ی تأدیب و زدن کودک پرسیدم، حضرت فرمود: پنج یا شش ضربه بیشتر زن و در همین اندازه نیز نرمش نشان ده. (حر العاملی، ۱۴۱۴، ص ۵۸۱).

اقدامات تأمینی و تربیتی از دیدگاه حقوق کیفری

اقدامات تأمینی و تربیتی مسئولیت یا عدم مسئولیت را مدنظر قرار نمی‌دهد و هدف از این اقدامات، دفاع جامعه در قبال حالت خطرناک است. از این رو، دفاع از مصالح جامعه در برابر اعمال مخل ایجاب می‌کند که هیئت حاکمه با اتخاذ سیاست جنایی مؤثر و به کارگیری تدابیر لازم، از وقوع و تکرار چنان اعمالی جلوگیری نماید و حالت خطرناک افراد را به کنترل درآورد. بنابراین قانونگذار تلاش کرده است تا با تصویب مقرراتی به این مهم دست یابد.

مصادیقی از اقدامات تأمینی و تربیتی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

تبعید، ممنوعیت از اقامت و اجبار به اقامت

ق.م.ا ۱۳۹۲ نیز همانند فقه اقدامات تأمینی و تربیتی تبعید، ممنوعیت از اقامت و اجبار به اقامت را مورد توجه قرار داده است و با توجه به مصادیق نوین شناسایی شده در زمینه اقدامات تأمینی و تربیتی عام، موارد اعمال تدابیر تأمینی و تربیتی افزایش یافته است. در تعویق مراقبتی بیان شده در ماده «۴۳» که یکی از این مصادیق نوین این قانون است دادگاه صادر کننده قرار می‌تواند مرتکب را به اجرای یک یا چند دستور از موارد ذکر شده در ماده محکوم نماید. یکی از این موارد اقامت یا عدم اقامت در مکان معین است. بنا بر مواد «۶۰ و ۶۱» که به مبحث آزادی مشروط اختصاص دارند، دادگاه می‌تواند مرتکب را در دوران آزادی مشروط به دستورهای مندرج در قرار تعویق صدور حکم، که یکی از آنها اقامت یا عدم اقامت در مکان معین است ملزم نماید. مجازات‌های جایگزین حبس جنبه تأمینی و تربیتی دارند. «دوره مراقبت» یکی از موارد جایگزین حبس است، که محکوم طی آن ملزم به انجام دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی است. دادگاه می‌تواند محکوم را در طی این دوران ملزم به اقامت در مکان معین یا منع از اقامت در مکان‌های مشخص نماید (ماده ۸۳ ق.م.ا ۱۳۹۲) در ماده «۲۳» اقامت اجباری در محل معین یا منع اقامت در محل یا محل‌های معین به عنوان مجازات تکمیلی بیان شده است.

محرومیت از حقوق اجتماعی

محرومیت از حقوق اجتماعی نوعاً با این فلسفه که شخص مجرم صلاحیت استفاده از حقوق

اجتماعی را به دلیل ارتکاب جرم از دست داده و یا به دلیل داشتن «حالت خطرناک» که جرم ارتكابی اماره آن می‌باشد، مورد استفاده قرار گرفته است که در حالت اخیر به عنوان یک اقدام تأمینی و با هدف رفع حالت خطرناک و دور نگه داشتن مجرم از مسئولیت‌های اجتماعی از طریق مرجع قضایی به کار می‌رود (رهامی، ۱۳۸۱، رشد جزایی، ص ۷) قانونگذار در ق.م.ا ۱۳۹۲ مواد قانونی را به محرومیت از حقوق اجتماعی اختصاص داده است و آن را به عنوان مجازات اصلی در نظر گرفته است. ماده «۱۹» که به مجازات‌های هشت گانه تعزیری اختصاص دارد یکی از این مواد است. در مجازات‌های تعزیری درجه (۵) محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از پنج تا پانزده سال، در مجازات‌های تعزیری درجه (۶) محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال و در مجازات‌های تعزیری درجه (۷) محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه تصریح شده است. ماده «۶۴» نیز که مجازات‌های جایگزین حبس را بیان می‌نماید یکی از مجازات‌های جایگزین را محرومیت از حقوق اجتماعی قرار داده است. البته این محرومیت با وجود شرایط خاص اعمال می‌شود که این شرایط عبارتند از: گذشت شاکی، وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال. محرومیت از حقوق اجتماعی گاهی در قالب مجازات تکمیلی اعمال می‌شود. ق.م.ا ۱۳۹۲ در ماده مجزا موارد مجازات‌های تکمیلی را احصاء نموده است. در این قانون، ماده «۲۳» به بیان مجازات‌های تکمیلی پرداخته است و در این مورد اشعار می‌دارد: «دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات‌های تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات تکمیلی زیر محکوم نماید...» در بند (ث) منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری، در بند (ج) منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجارتي و در بند (ذ) منع از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی بیان شده است. با توجه به اینکه حقوق اجتماعی ناظر بر حق برخورداری از حداقل رفاه اقتصادی و اجتماعی است که به عنوان مزایای عضویت و مشارکت در حیات جامعه به افراد تعلق می‌گیرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳، ص ۱۲) می‌توان موارد

بیان شده در این بندها را حقوق اجتماعی دانست که دادگاه می‌تواند به عنوان مجازات تکمیلی، مرتکب را از این حقوق محروم نماید. گاهی محرومیت از حقوق اجتماعی در قالب مجازات تبعی اعمال می‌شود. قانونگذار در ق.م.ا ۱۳۹۲ در ماده «۲۵» مجازات‌های تبعی را تصریح نموده است. در این ماده عبارت «مجازات تبعی» آورده شده است. این ماده بیان می‌دارد: «محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، پس از اجرا حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند: الف) هفت سال در محکومیت به مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی. ب) سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارده بیش از نصف دیه مجنی علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار. پ) دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارده نصف دیه مجنی علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج» ماده «۲۶» حقوق اجتماعی را برشمرده است. این موارد عبارتند از: الف) داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا. ب) عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیأت دولت و تصدی معاونت رئیس جمهور. پ) تصدی ریاست قوه قضائیه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور و ریاست دیوان عدالت اداری. ت) انتخاب شدن یا عضویت در انجمن ها، شوراها، احزاب و جمعیت‌ها به موجب قانون یا رأی مردم. ث) عضویت در هیأت منصفه و امناء و شوراهای حل اختلاف. ج) اشتغال به عنوان مدیر مسئول یا سردبیر رسانه‌های گروهی. چ) استخدام و یا اشتغال در کلیه دستگاه‌های حکومتی اعم از قوای سه‌گانه و سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به آنها، صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح و سایر نهادهای تحت نظر رهبری، شهرداری‌ها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و دستگاه‌های مستلزم تصریح یا ذکر نام برای شمول قانون بر آنها. ح) اشتغال به عنوان وکیل دادگستری و تصدی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتر یاری. خ) انتخاب شدن به سمت قیم، امین، متولی، ناظر یا متصدی موقوفات عام. د) انتخاب شدن به سمت داوری یا کارشناسی در مراجع رسمی. ذ)

استفاده از نشان های دولتی و عناوین افتخاری. (ر) تأسیس، اداره یا عضویت در هیأت مدیره شرکت های دولتی، تعاونی و خصوصی یا ثبت نام تجارتي یا مؤسسه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و علمی. محرومیت از حقوق اجتماعی چه به عنوان مجازات اصلی و چه به عنوان مجازات تبعی و تکمیلی، یک اقدام تأمینی است که جهت حفظ مصالح جامعه بر مرتکب جرم اعمال می شود.

ضبط اشیاء خطرناک

دسته ای از اقدامات تأمینی، اقداماتی هستند که دفاع جامعه را در برابر بعضی از اشیا که ممکن است سلامت یا امنیت اجتماع را به مخاطره اندازد، تأمین می کنند اشیایی مانند سکه تقلبی، اسلحه، اسناد مجعول که دادگاه مکلف است با ضبط یا معدوم کردن، آنها را از دسترس افراد مجرم دور سازد (اردبیلی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۹-۱۸۰) جایگاه ضبط اموال و اشیاء جرائم مالی است. در برخی موارد نص صریح قانونی در مورد ضبط اشیاء وجود دارد و در برخی موارد قانونگذار صراحتاً ضبط اموال را به میان نیاورده است ولی حکمی را بیان می دارد که لازمه اجرای آن، ضبط اموال است؛ مانند ماده «۱» قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری که عبارت رد اصل مال به صاحبش در این ماده ناظر به این مدعا است (جعفریان، ۱۳۹۰، ص ۴۰) «ضبط اشیاء خطرناک» در ق.م.ا ۱۳۹۲ در ماده «۲۱۵» تصریح شده است. در این ماده آمده است: «بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب باید تکلیف اشیاء و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله ارتکاب جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند تا حسب مورد، مسترد ضبط یا معدوم شود...» اشیائی که برای انجام جرم در تمام مراحل از مرحله مقدماتی تا مرحله نهایی جرم مورد استفاده قرار گرفته اند، می توانند مصادیقی از «اشیاء خطرناک» باشند. در ق.م.ا ۱۳۹۲ مواد «۷۴۹»، «۷۵۰»، «۷۵۱» به تهیه و ترویج سکه قلب اختصاص دارد. کلیه اموالی که از طریق ساختن سکه قلب یا خرید و فروش یا ترویج آن، تخدیش و ترویج مسکوکات طلا و نقره، ساختن مسکوکات رایج غیر از طلا و نقره و ترویج و خرید و فروش آن ها تحصیل می گردد به عنوان تعزیر به نفع دولت ضبط می شود (ماده ۷۵۳ ق.م.ا ۱۳۹۲)

اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان

با توجه به اینکه اطفال و نوجوانان از سرمایه های یک کشور به شمار می روند اگر سرمایه گذاری مادی و معنوی مناسبی در ارتباط با آنان صورت پذیرد، آینده ای بدون واهمه خواهند داشت؛ در غیر این صورت اطفال و نوجوانان بزهکار امروزی به جانان خطرناک آینده تبدیل خواهند شد. پس سرمایه گذاری در مورد اطفال و نوجوانان بهترین سرمایه گذاری است که هر دولتی می تواند انجام دهد (ملکزاده و هاشمی، ۱۳۹۰، ص ۸۰ و ۸۱) بنابراین در ارتباط با بزهکاری این گروه (اطفال و نوجوانان) تشکیل قانون اصلاح و تربیت، مؤسسه های آموزشی و فرهنگی و... می تواند نقش مهم و اساسی در اصلاح و تربیت این افراد داشته باشد. براساس ق.م.ا ۱۳۹۲ افراد نابالغ فاقد مسئولیت کیفری می باشند و در مورد آنان بر طبق این قانون، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می گردد. در ماده «۸۸» این قانون، برای اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری در سنین بین نه تا پانزده سال تمام شمسی شده اند، دادگاه می تواند حسب مورد یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ نماید: الف - تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان. تسلیم به والدین یا اولیاء و سرپرست قانونی طفل یا نوجوان منوط به دادن تعهد از سوی آنهاست. علاوه بر این به نظر می رسد اخذ تعهد به تنهایی برای تضمین تعهد کافی نیست و دادگاه باید بر حسن انجام این کار نظارت نماید. طبق تبصره ۱ ماده مورد بحث، دادگاه در صورت مصلحت می تواند از والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی تعهد به انجام برخی امور و اعلام نتیجه به دادگاه را بخواهد. بند ب ماده مورد بحث، تسلیم اطفال یا نوجوانان به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر را مورد توجه قرار داده است و شرایطی را برای این مسئله در نظر گرفته است: نخست آنکه دادگاه این امر را به مصلحت طفل یا نوجوان بداند. دوم اینکه والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان صلاحیت نداشته باشد و یا دادگاه به آنها دسترسی نداشته باشد با رعایت مقررات ماده (۱۱۷۳) ق.م.ا^۱. سوم اینکه تسلیم به این اشخاص

۱. ماده ۱۱۷۳: « هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حفاظت او است، صحت

همراه با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند (الف) می باشد (مانند اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان، جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر با اشخاص و...). از طرف دیگر تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت را منوط به قبول آنان کرده است (تبصره بند ب ماده ۸۸) بند پ - نصیحت به وسیله دادگاه. به نظر می رسد این اقدام در مورد جرائم کم اهمیت تر اعمال می شود. بند ت - اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم. این مورد فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجرا است (تبصره ۱ ماده ۸۸) بند ث - نگهداری در قانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج. بنابراین ارتکاب جرم شدیدتر موجب نگهداری طفل یا نوجوان در قانون اصلاح و تربیت می شود. طبق تبصره ۲ این ماده، که به جرائم موجب حد یا قصاص نابالغ اشاره کرده است در صورتی که مرتکب دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به نگهداری در قانون اصلاح و تربیت محکوم می شود و در غیر این صورت (به نظر می رسد منظور سنی کمتر از دوازده سال باشد) یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) که اقدامات خفیف تری هستند در مورد آنها اتخاذ می شود. بر طبق تبصره ۳ نیز دادگاه اطفال و نوجوانان با توجه به تحقیقات به عمل آمده، گزارش مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هر چند بار که مصلحت اقتضاء کند می تواند در تصمیم خود تجدیدنظر نماید. این امر نشان از اقدام نظارتی است که به وسیله دادگاه صورت می گیرد. در ماده «۸۹» نیز درباره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری در سنین بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی می شوند مجازات نگهداری در قانون اصلاح و تربیت مقرر شده است.

جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ کند. موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین است: ۱. اعتیاد زیان آور به الکل، مواد مخدر و قمار. ۲. اشتها به فساد اخلاق و فحشا. ۳. ابتلا به بیماری های روانی با تشخیص پزشک قانونی. ۴. سوء استفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشا، تکدی گری و قاچاق. ۵. تکرار ضرب و حرج خارج از حد متعارف.

طبق تبصره ۲ این ماده دادگاه می‌تواند به جای صدور حکم به مجازات نگهداری در کانون اصلاح و تربیت که با توجه به درجات مجازات‌های تعزیری اشاره شده در ماده که مدت زمان معینی را برای این نگهداری در نظر گرفته است به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای مدت سه ماه تا پنج سال حکم دهد. این امر با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی صورت می‌پذیرد. ماده «۹۱» با بیان سه شرط (که وجود یکی از این شرایط برای اعمال مجازات‌های فصل دهم کفایت می‌کند) افراد بالغ کمتر از هجده سال را که مرتکب جرائم موجب حد یا قصاص شده‌اند به مجازات‌های پیش‌بینی شده در فصل دهم محکوم می‌نماید که یکی از این مجازات‌های مصرح در این فصل، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت است که اقدامی تأمینی و تربیتی محسوب می‌شود. این سه شرط عبارتند از: ماهیت جرم انجام شده را درک نکند، حرمت آن را درک نکند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد.

اقدامات تأمینی و تربیتی مجانین

با اعمال اقدامات تأمینی و تربیتی علاوه بر درمان بزه‌کاران مجنون، جامعه نیز از جرائم ارتكابی آنان در امان خواهد ماند. اگر شخص عمل مجرمانه‌ای را انجام دهد، اما به دلیل داشتن ویژگی‌های شخصی خاصی توانایی لازم برای تشخیص حسن و قبح رفتار ارتكابی خود را نداشته باشد، با وجود ارتكاب ظاهری جرم و کامل بودن عناصر آن، قابلیت انتساب آن به مرتکب از بین رفته، لذا مسئولیتی متوجه او نخواهد بود (حسینی و اعتمادی، ۱۳۹۴، ص ۴۹۲) ماده «۱۵۰» ق.م.ا ۱۳۹۲ به اقدام تأمینی در مورد مجرمینی که حین ارتكاب جرم مجنون باشند یا در جرائم تعزیری پس از وقوع جرم مبتلا به جنون شوند، اشاره دارد. در این موارد، «مجنون» در محل مناسب که همان بیمارستان روانی است نگهداری می‌شود. این امر برای درمان و رفع حالت خطرناک وی صورت می‌پذیرد. طبق این ماده، برای فرستادن مجنون به محل نگهداری مناسب (بیمارستان روانی) سه شرط لازم دانسته شده است. نخست اینکه مرتکب حین ارتكاب جرم مجنون باشد یا در جرائم موجب تعزیر پس از وقوع جرم مبتلا به جنون شود. دوم اینکه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص به اثبات برسد و سوم اینکه آزاد بودن مجنون مخل نظم و امنیت عمومی

باشد. برای صدور دستور نگهداری در محل مناسب وجود هر سه شرط الزامی می باشد. طبق ق.م.ا ۱۳۹۲ به دلیل اینکه جنون پس از ارتکاب جرم فقط در جرائم تعزیری پذیرفته شده است امکان نگهداری مجنونی که مرتکب جرم مستوجب قصاص شده است وجود ندارد. قانونگذار در تبصره ۲ ماده «۱۵۰» صراحتاً تأسیس مراکز اقدام تأمینی برای نگهداری افراد مجنون را پیش بینی کرده است.

انتشار حکم

انتشار حکم محکومیت از جمله ضمانت اجراهای شرمسارکننده است. در قوانین موجود در حقوق کیفری ایران، مصادیقی یافت می شود که قانونگذار به طور مستقیم لفظ انتشار حکم را بکار نبرده است، ولی الفاظی را استفاده کرده است که اعمال آن ها، به طور غیر مستقیم باعث انتشار حکم یا برخی مفاد آن می شود (رستمی تبریزی و زارع، ۱۳۹۲، ص ۱۳۹) در ق.م.ا ۱۳۹۲ مواد قانونی تصویب شد که مستقیماً انتشار حکم را مطمح نظر قرار داده است. به موجب ماده «۳۶» حکم محکومیت قطعی در جرائم موجب حد محاربه و افساد فی الارض یا تعزیر درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال در یکی از روزنامه های محلی در یک نوبت منتشر می شود. با تصویب این ماده در ق.م.ا ۱۳۹۲ انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم موضوع این ماده که بیشتر جرائم اقتصادی هستند الزامی شد. انتشار حکم محکومیت بیشتر زمانی که منافع عمومی ایجاب کند و جرم انجام گرفته توسط بزهکار به منافع عمومی لطمه وارد آورد اعمال می شود. در جرائم تعزیری درجه (۶)، انتشار حکم قطعی در رسانه ها یکی از مجازات‌هایی است که در ق.م.ا ۱۳۹۲ پیش بینی شده است. در ماده «۲۰» نیز این اقدام تأمینی برای اشخاص حقوقی در بند (چ) پیش بینی شده است. براساس این ماده در صورت مسئول شناخته شدن شخص حقوقی یکی از مجازات‌های پیش بینی شده، انتشار حکم محکومیت بوسیله رسانه ها است. از مجازات‌های تکمیلی مصرح در ماده «۲۳»، انتشار حکم محکومیت قطعی را می توان نام برد که در بند (س) تصریح شده است. به نظر می رسد منظور از انتشار حکم قطعی در رسانه ها، «رسانه های جمعی» باشد. رسانه های جمعی، عبارت است از مجموعه ای از وسایل ارتباطی که عموماً با ارتباطاتی به

دنبال جمعی از مخاطبان هستند. رسانه های دیداری و شنیداری و چاپی مثل رادیو، تلویزیون، روزنامه، از جمله مهم ترین رسانه های جمعی هستند (افتاده، ۱۳۹۱، ص ۶۹) در واقع مردم یک جامعه از رسانه های جمعی برای اعلام پیام ها و افکار و انتقال مفاهیم به یکدیگر استفاده می کنند.

نتیجه

از آغاز پیدایش جوامع بشری، مسئله تأمین امنیت و آسایش افراد مورد توجه قرار گرفت. جوامع به منظور تأمین مصالح و منافع خود در برابر بزهکاران واکنش کیفی نشان دادند؛ اما از آنجاکه مجازات به تنهایی قادر به حفظ جامعه در مقابل خطر مجرمان نبود، در کنار مجازات ها تدابیری را با عنوان « اقدامات تأمینی و تربیتی » تأسیس کردند. با توجه به اهمیت تدابیر تأمینی و تربیتی برای اصلاح مجرم و بازگشت وی به بستر اجتماع، قانونگذاری صحیح و منطبق با پیشرفت های انجام گرفته در این زمینه ضرورت پیدا کرد. در طول تاریخ کیفری ایران تدابیر تأمینی و تربیتی برای اصلاح مجرم و پیشگیری از تکرار جرم شکل گرفت لکن قانونگذار در ق.م. ۱۳۹۲ موارد و فرمول های نوینی در این زمینه پیش بینی کرد که علاوه بر اینکه قلمرو اقدامات تأمینی و تربیتی را توسعه داده است؛ جایگاه ممتازتری نیز به این اقدامات اعطاء کرده است. اسلام، به عنوان کامل ترین دین و آموزه های حقوقی فراگیر، علاوه بر مجازات بزهکار، از پیش بینی اقدامات تأمینی و تربیتی نسبت به بزهکاران خاص و در شرایط و اوضاع و احوال خاص غفلت نکرده و چندین سده قبل از پیدایش مکاتب حقوقی، تبیین چنین سیاستی پرداخته است. در آموزه های این دین مقدس، اقدامات تأمینی و تربیتی با عنوان مستقلی مطرح نشده است؛ لکن نمونه هایی از مصادیق این اقدامات که امروزه در حقوق مطرح شده است، وجود دارد. در سیره معصومین و بیانات فقهای اسلامی نیز اقدامات تأمینی و تربیتی مورد توجه قرار گرفته است. از مباحث مطرح شده در تحقیق به این نتیجه می رسیم که اقدامات تأمینی و تربیتی نه تنها در حقوق بلکه در فقه نیز مورد توجه قرار گرفته است و از این حیث احکام خاصی را به خود اختصاص داده است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، محمد بن مكرم، (۱۴۰۸)، لسان العرب، دارالجیبیل، بیروت، چاپ پنجم.
۳. اردبیلی، احمد مقدس، (۱۳۸۸)، زبده البیان فی احکام القرآن، ترجمه محمد باقر بهبودی، المکتبته المرتضویه، تهران، چاپ چهارم.
۴. اردبیلی، محمد علی، (۱۳۸۵)، حقوق جزای عمومی، انتشارات مجد، تهران، چاپ یازدهم.
۵. افتاده، جواد، (۱۳۹۱)، تفاوت بین رسانه های اجتماعی و رسانه های جمعی، مجله کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۵۶.
۶. بولک، برنارد، (۱۳۸۲)، کیفرشناسی، ترجمه علی نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول.
۷. پردل، ژان، (۱۳۸۸)، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، تهران، چاپ سوم.
۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۳)، مقدمه علم حقوق، کتابخانه گنج دانش، تهران، چاپ هفتم.
۹. جعفریان، حسن، (۱۳۹۰)، جایگاه ضبط و مصادره اموال در حقوق ایران، نشریه دادرسی، سال پانزدهم، شماره ۸۷.
۱۰. جوزیه، ابن قیم، (۱۴۲۳)، اعلام الموقعین، دارالفکر، بیروت، چاپ ششم.
۱۱. حرالعالمی، محمد حسن، (۱۴۱۴)، وسایل الشیعه، مؤسسه آل البیت، قم، چاپ دوم.
۱۲. حسینی، سید محمد، اعتمادی، امیر، (۱۳۹۴)، جنون به عنوان عامل رافع مسئولیت کیفری در حقوق ایران و انگلستان، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۲.
۱۳. خطیب، محمد شحات، (۱۴۱۵)، اصول التربیته الاسلامیه، دارالخریجی، ریاض، چاپ چهارم.
۱۴. خمینی، روح الله، (۱۳۷۹)، تحریر الوسیله، دارالعلم، قم، جلد دوم.

۱۵. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۳۰)، البیان فی تفسیر القرآن، دارالزهرا، بیروت، چاپ چهارم.
۱۶. دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۸۸)، سیری در تربیت اسلامی، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، تهران، چاپ سوم.
۱۷. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۲)، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول.
۱۸. رستمی تبریزی، لمیاء، زارع، محمد کاظم (۱۳۹۲)، تحلیل انتشار حکم محکومیت در حقوق کیفری ایران از نگاه فلسفه کیفری، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۴.
۱۹. رهامی، محسن، (۱۳۷۹)، اقدامات تأمینی و تربیتی در قرآن و سنت، مجله دانشکده الهیات دانشگاه تهران، سال چهارم، شماره ۱۱۵.
۲۰. رهامی، محسن، (۱۳۸۱)، رشد جزایی، مجله حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۵۸.
۲۱. شیخ طوسی، محمدبن حسن، (۱۳۷۵ق)، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، مکتبه جام چهلستون، تهران، چ ۱.
۲۲. صانعی، پرویز، (۱۳۸۲)، حقوق جزای عمومی، انتشارات طرح نو، تهران، چاپ اول.
۲۳. طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، (۱۹۸۸)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت، جلد سوم.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۸)، المبسوط، ترجمه محمد باقر بهبودی، المکتبه المرتضویه، تهران، چاپ دوم.
۲۵. علامه طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۵۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، دارالکتب اسلامی، تهران، چاپ اول.
۲۶. عمید، حسن، (۱۳۷۵)، فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ پنجم.
۲۷. عوده، عبدالقادر، (۱۴۰۵)، التشریح الجنایی السلامی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم.
۲۸. فکوری، محمد علی، (۱۳۹۳)، اقدامات تأمینی و تربیتی از منظر فقه امامیه و حنفی و قوانین کیفری ایران و افغانستان، فصلنامه انجمن علمی میزان، سال سوم، شماره ۶.

۲۹. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۷)، تفسیر قمی، تحقیق: سیدطیب موسوی جزائری، دارالکتاب قم، قم، چاپ چهارم.
۳۰. کی نیا، مهدی، (۱۳۶۹)، مبانی جرم شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم.
۳۱. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۵)، مجازات عمل منافی عفت در قرآن، مجله تحقیقات حقوقی، شماره چهل و سه.
۳۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۳)، تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا، تهران، چاپ چهل و یک.
۳۳. مظفر، محمد رضا، (۱۳۷۵)، اصول فقه، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، چاپ سوم.
۳۴. معین، محمد، (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی معین، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ هشتم.
۳۵. ملک زاده، امیر، هاشمی، حمید، (۱۳۹۰)، بررسی ضرورت تشکیل و تکالیف پلیس زن و ویژه اطفال و نوجوانان، مجله پلیس زن، شماره ۱۴.
۳۶. موسوی اردبیلی، عبدالکریم، (۱۴۱۳)، فقه الحدود و التعزیرات، جامعه المفید، قم، جلد اول.